

## Intensification of Saudi Arabia's Confrontational Policy with Iran Since the Bin Salman's Succession

Abdolreza Alishahi <sup>1\*</sup>

Ebrahim Barzegar <sup>2</sup>

Mohammad Bagher khorramshad <sup>3</sup>

Abbas Ali Rahbar <sup>4</sup>

Received on: 16/09/2021

Accepted on: 03/01/2022

### Abstract

The Kingdom of Saudi Arabia, with its conservative, traditional, patrimonial, and Wahhabi ideological political system, serves as the Umm al-Qura (the core nation of the Islamic world) of the Islamic world for many Sunni countries. Meanwhile, the political, ideological, and even security rivalries between the Saudis and Iran have always faced many challenges even before the Islamic Revolution. This issue was Intensified after the Islamic Awakening and the growing concern of the Saudis about the arrival of Arab protest waves in the country. With the presence of Mohammad Bin Salman in the position of the successor, his hostile policies against the Islamic Republic of Iran have publicly declined the two countries into the most political and security tensions; In a way that can be claimed as the culmination of the Cold War between the Saudis against Iran. The present article seeks to provide a convincing and reasoned answer to the question that: What approaches have Mohammad Bin Salman's most important policies been based on toward the Islamic Republic of Iran? The authors' hypothesis is based on the intensification of Bin Salman's most confrontational policies against Iran. Findings of the article, using the interpretive method and theory of the Haug Miall crisis, show that the historical sequence of this crisis, in addition to the historical hostilities after the Islamic Revolution, dates back to the time of the conclusion of BARJAM. In the development phase of the crisis, i.e. the Bin Salman's attempt to expand political-security relations with the Zionist regime, in the stage of collision or dream, the authors will point to two main issues: the design of soft conspiracies to overthrow the Islamic Republic and Bin Salman's support for terrorist forces against Iran. Finally, in the intervention phase, we can refer to the mediation activities of the Iraqi Prime Minister.

**Keywords:** Saudi Arabia, Mohammad Bin Salman, Islamic Republic of Iran, Confrontationalism, Cold War.

1\*. Ph.D Candidate, Political Science, Allameh Tabataba'i University, Law and Political Science Department, Tehran, Iran. (Corresponding Author: Abdolrezaalishahi@atu.ac.ir)

2. Professor, Political Science, Allameh Tabataba'i University, Law and Political Science Department, Tehran, Iran. (Email: Barzegar @atu.ac.ir)

3. Professor, Political Science, Allameh Tabataba'i University, Law and Political Science Department, Tehran, Iran. (Email: MB.khorramshad@gmail.com)

4. Associate Professor, Political Science, Allameh Tabataba'i University, Law and Political Science Department, Tehran, Iran. (Email: AA.Rahbar@atu.ac.ir)

# تشدید سیاست تقابل گرای عربستان سعودی با ایران از زمان ولایتعهدی بن سلمان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

عبدالرضا عالیشاهی<sup>\*۱</sup>

ابراهیم برزگر<sup>۲</sup>

محمدباقر خرمشاد<sup>۳</sup>

عباسعلی رهبر<sup>۴</sup>

## چکیده

پادشاهی عربستان سعودی با یک نظام سیاسی محافظه‌کار، سنتی، پاتریمونیال و مبتنی بر ایدئولوژی وهابیسیم به مثابه ام‌القرای جهان اسلام برای بسیاری از کشورهای اهل سنت می‌باشد. در این میان، رقابت‌های سیاسی، ایدئولوژیکی و حتی امنیتی سعودی‌ها با ایران حتی پیش از وقوع انقلاب اسلامی، همواره با قبض و بسط‌های متعددی مواجه بوده است. این مسئله پس از بیداری اسلامی و نگرانی فزاینده سعودی‌ها از ورود امواج اعتراضی اعراب به این کشور تشدید گردید. با حضور محمدبن سلمان در سمت ولایتعهدی، سیاست‌های خصومت آمیز وی علیه جمهوری اسلامی ایران علنا دو کشور را در بیشترین تنش‌های سیاسی و امنیتی قرار داد به نحوی که می‌توان مدعی اوج جنگ سرد میان سعودی‌ها علیه ایران بود. مقاله کنونی جستاری است در ارائه پاسخی متقن و مستدل به این سوال که مهمترین سیاست‌های محمدبن سلمان در قبال جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر چه رویکردهایی بوده است؟ فرضیه نویسندگان مبتنی بر تشدید بیشترین سیاست‌های تقابل گرایانه بن سلمان علیه ایران است. یافته‌های مقاله با استفاده از روش تفسیری و تئوری بحران هاگ میال نشان می‌دهد عقبه تاریخی این بحران، گذشته از خصومت‌های تاریخی بعد از انقلاب اسلامی، به دوران انعقاد برجام برمی‌گردد. در مرحله تکوین بحران، تلاش بن‌سلمان برای بسط روابط سیاسی-امنیتی با رژیم صهیونیستی، در مرحله تصادم یا رویایی، نویسندگان به دو مسئله اصلی طراحی توطئه‌های نرم در راستای براندازی جمهوری اسلامی و حمایت‌های بن سلمان از نیروهای تروریستی علیه ایران اشاره خواهند داشت. در نهایت در مرحله وساطت می‌توان به فعالیت‌های میانجی گرایانه نخست وزیر عراق اشاره نمود.

**واژگان کلیدی:** عربستان سعودی، محمد بن سلمان، جمهوری اسلامی ایران، تقابل‌گرایی، جنگ سرد.

\*۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی. (صفحه ۱۳۷-۱۶۸)

(نویسنده مسئول: Abdolrezaalishahi@atu.ac.ir)

۲. استاد تمام علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی. (Barzegar@atu.ac.ir)

۳. استاد تمام علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

(MB.khorramshad@gmail.com)

۴. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (AA.Rahbar@atu.ac.ir)

## مقدمه

با مرگ ملک عبدالله و انتصاب ملک سلمان بن عبدالعزيز در مقام هفتمین پادشاه عربستان سعودی، موج تغییرات در عزل و نصب‌ها در خاندان سلطنت سعودی به وقوع پیوست که مهمترین آن، عزل محمدبن نایف، از مقام ولایتعهدی و انتصاب محمد (فرزند ملک سلمان) در ۲۱ ژوئن ۲۰۱۷ در این جایگاه بوده است. چنین انتصابی شالوده شکنی مهم در روند انتقال قدرت به شمار می‌رفت که برای نخستین بار در خاندان آل سعود به وقوع پیوست و موجی از اعتراضات را در میان شاهزادگان سعودی به همراه داشت. در تبیین این مسئله می‌توان به مواردی همچون ضعف و مواضع اعتدال‌گرایانه محمدبن نایف در بحران‌های منطقه، سیاست‌های پراگماتیستی محمدبن سلمان در قبال مسائل منطقه، جاه‌طلبی‌های بن سلمان در کنار مواضع نزدیک به رژیم صهیونیستی و آمریکا اشاره داشت که با تاکید بر این شاخص‌های فردی، وی را به مناسبترین گزینه برای ولایتعهدی عربستان سعودی مبدل نموده است (مسعودنیا، فروزان و عالیشاهی، ۱۳۹۶: ۱۳۷). مسئله مهم بررسی این موضوع است که یکی از سیاست‌های اصلاحاتی عمیق بن سلمان در عرصه منطقه‌ای و خارجی تشدید اقدامات ضد ایرانی-شیعی بوده است. بن سلمان در این راستا در نخستین گام به یک ائتلاف عمیق و راهبردی با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین ایالات متحده دست زد. هرچند وی در این راستا مجبور به حمایت‌های اقتصادی حیرت‌انگیز از ترامپ و سیاست‌های اقتصادی وی شد، اما برای کنترل سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران اجبارا بایستی حمایت‌های ترامپ که او نیزگرایش‌ضدایرانی قدرتمندی داشت، دست می‌یافت؛ وی در گام دوم، تلاش‌های خود را در قالب الغای برجام و تشدید سیاست‌های تحریمی علیه ایران را بکار بست و سپس در گام سوم تمامی تلاش خود در راستای احیا و از سرگیری روابط با رژیم صهیونیستی بکار گرفت و برخی از اعراب خلیج فارس همچون امارات متحده عربی و بحرین اقدام به از سرگیری رسمی روابط با رژیم مذکور گرفتند (عالیشاهی، فروزان و سلیمانی سوچلمانی، ۱۳۹۹: ۱۴۸-۱۴۹) و در ادامه نیز با سیاست‌های تنش‌ساز خود بستر ساز فعالیت و نفوذ گروهک‌های تروریستی به درون مرزهای جمهوری اسلامی گردید.

اهمیت این موضوع را می‌توان از چند بعد مورد تدقیق و واکاوی قرار داد. نخست افراط و تندروی‌های بن سلمان در عرصه‌های داخلی و خارجی که بعضا اعتراضات و حتی هشدارهای متحدین استراتژیک عربستان سعودی، یعنی ایالات متحده را نیز به همراه داشته است (بهرامی مقدم،

۱۳۹۷: ۲۷۶). در بعد خارجی، رادیکالیسم را می توان یکی از مهمترین و برجسته ترین رویکردهای بن سلمان دانست. تعمیق تنش‌ها میان سعودی‌ها و جمهوری اسلامی ایران، گسست قطر از مرجعیت عربستان سعودی در میان کشورهای عرب خلیج فارس، جنگ دامنه دار یمن (دوست محمدی و رجبی، ۱۳۹۷: ۹۵۳)، شکست تغییر رژیم<sup>۱</sup> در عراق و سوریه همگی نشانگر سیاست‌های مبتنی بر افراط و تندی‌های بن سلمان در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی است. دوم؛ مسئله ای که نه تنها بسترساز حضور فعال ایالات متحده در منطقه گردیده بلکه زنگ خطر را برای جبهه مقاومت شیعیان به ویژه جمهوری اسلامی ایران به صدا درآورده و سوم؛ عامل تشدیدساز رقابت بین تهران و ریاض در قبال نفوذ در تعدادی از کشورهای متحدشان در منطقه مبدل گردیده است (آدمی و بهادرخانی، ۱۳۹۷: ۴؛ همچنین: Hubbard, 2020: 123).

با این مقدمات اجمالی، مقاله حاضر با بهره گیری از روش تفسیری و تئوری بحران هاگ میال، تلاش خود را صرف تجزیه و تحلیل و بررسی این سوال اصلی قرار داده است که مهمترین دلایل تشدید سیاست تقابل گرای عربستان سعودی با ایران از زمان ولایتعهدی بن سلمان چه بوده است؟ فرضیه نویسندگان تاکید بر تشدید و بیشینه‌سازی سیاست‌های چالش برانگیز و خصومت آمیز بن سلمان علیه جمهوری اسلامی ایران به ویژه از دوران آغاز ولایتعهدی وی دارد که این تشدید سیاست های خصومت آمیز در چند مرحله و به چند شیوه علیه ایران صورت پذیرفته است. روش تحقیق مقاله کنونی از نوع تفسیری است. در واقع، مهمترین کارکرد روش تفسیری این است که محقق با تمسک به این روش، به فرایند فهم یک یک پدیده سیاسی دست می یابد. بنابراین، در روش تفسیری، نویسنده به تفسیر تمام افعال معنادار انسان و محصولات این رفتارهای معنادار مبادرت می کند. نویسندگان مقاله کنونی نیز با تمسک به این روش سعی تفسیر سیاست‌های خصومت آمیز بن سلمان علیه جمهوری اسلامی ایران دارند. روش جمع آوری داده ها نیز از نوع کتابخانه ای و اسنادی می باشد.

## الف - پیشینه تحقیق

در خصوص پژوهش‌های پیشین بایستی خاطرنشان کرد طیف وسیعی از تحقیقات داخلی و خارجی در خصوص روابط و سیاست‌های عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران و

.....  
1 . Regime Change

شیعیان منطقه وجود دارد. به عنوان مثال شهریار در پژوهشی (۱۳۹۶) معتقد است عرصه تقابل جویی عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در ابعاد امنیتی و سیاسی و ژئوپلیتیکی خاورمیانه از زمان سقوط صدام علنا به ضرر سعودی‌ها منتهی شده است. خروج نیروهای آمریکایی، شکل‌گیری نیروهای شبه‌نظامی شیعه، نفوذ نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران، سقوط حکومت‌های سنی مذهب در بیداری اسلامی و ائتلاف قدرتمند جمهوری اسلامی ایران با حوثی‌های یمن برخی از مهمترین عواملی است که سعودی‌ها تهدید جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش درک کرده‌اند. بیات و اسلامی (۱۳۹۷) در تحقیق خود با عنوان «ایران-عربستان: طرح الگوی تنش زدایی با محوریت مناقشات منطقه‌ای» دلیل اصلی تقابل میان دو کشور را مسائل عینی و ناشی از عوامل ژئوپلیتیکی و منافع منطقه‌ای دانسته و عوامل غیرمادی همچون هویت و ایدئولوژی را تنها تشدیدکننده این تقابل ذکر کرده‌اند. مقدم جاودانی و حریرفروش (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «واکاوی زمینه‌ها و ابعاد سیاست خارجی نوین عربستان در خاورمیانه» معتقدند که مهم‌ترین متغیرهای موثر بر تغییر رویکرد محافظه‌کارانه به تهاجمی در سیاست خارجی عربستان در قبال نفوذ جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: تغییر نسل‌نخبگان حاکم، افول روابط آمریکا و عربستان در دوره اوباما، تضعیف هژمونی آمریکا و تغییر موازنه قوا در خاورمیانه پس از بهار عربی و تقویت قدرت ایران و محور مقاومت در منطقه. فروزان و عالیشاهی (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «برساخت‌گرایی سیاسی در روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران از پس‌آیداری اسلامی تا پس‌برجام» معتقدند عمده دلایل واپس‌گرایی در روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران را می‌توان ذیل عوامل نرم و سخت قرار داد. عوامل سخت شامل توسعه قراردادهای سنگین نظامی و تسلیحاتی و میلیتاریزه‌کردن غرب آسیا (خاورمیانه)، تلاش برای گسترش تروریسم در جغرافیای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نقش آفرینی اثرگذار ریاض در بحران سوریه، مواضع عمل‌گرایانه سعودی‌ها در بحران عراق، تجاوز نظامی سعودی‌ها علیه یمن و جنبش انصارالله و مواضع ریاض در قبال مسئله فلسطین و سرکوب شیعیان عربستان است. عوامل نرم نیز شامل بسط روابط امنیتی با رژیم صهیونیستی، مواضع خصمانه سعودی‌ها در قبال مذاکرات هسته‌ای ایران (برجام) و ایجاد شکاف در جبهه مقاومت شیعیان با تمرکز بر عراق است. پیشگاهی فرد و دیگران (۱۳۹۹) در تحقیق خود با عنوان «چرخش روابط ایران و عربستان در دو بعد تعامل و تقابل ژئوپلیتیکی و زمینه‌های شکل‌گیری آن‌ها»، معتقدند که مهم‌ترین عوامل تاثیر گذار بر تعمیق چالش‌ها و تنش‌ها میان دو کشور مسائلی شامل شکل‌گیری انقلاب

اسلامی در ایران، پایان جنگ تحمیلی، حادثه ۱۱ سپتامبر، بیداری اسلامی، ژئواکونومیک و منابع انرژی، ژئوپلیتیک شیعه، دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای، رویکرد امنیتی دو کشور، تحولات منطقه ای و بین‌المللی مثل روی کار آمدن محمدبن سلمان در عربستان و دونالد ترامپ در آمریکا و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در روابط دو کشور می‌باشد. حسینی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «تعیینات ساختاری در روابط ایران و عربستان؛ از دکتترین دوستونی تا پس از بهارعربی» معتقد است روابط ایران و عربستان را جنگ ایران و عراق، حمله صدام به کویت در ۱۹۹۱ میلادی، حمله آمریکا به عراق در ۲۰۰۳ میلادی، جنگ ۳۳ روزه اسرائیل علیه حزب‌الله لبنان مورد گسست و واگرایی قرار داده است. اختیاری امیری (۱۳۹۴) در مقاله ای تحت عنوان «تاثیر تقابل وهابیت سعودی با گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه» معتقد است تقابلات سعودی‌ها با جمهوری اسلامی ایران ماهیتی ضد شیعی و ایرانی-انقلابی داشته و تعارض هویتی عربستان و ایران و رقابت‌های این دو کشور در این قالب، درحال حاضر منجر به «هویتی شدن رقابت‌های ژئوپلیتیکی» شده و متعاقباً نیز این طیف از رقابت‌ها را در خاورمیانه تشدید کرده است. لویزا خیمنز سریولی<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی معتقد است ریشه چالش‌های عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دوران بیداری اسلامی و پس از آن به صورتی کاملاً نیابتی درکشورهای یمن و بحرین نمود یافته است. بحرینی‌ها در ائتلافی همگرا با سعودی‌ها عناد خود را با ایران نشان داده و عکس‌چنین وضعیتی در خصوص روابط یمن و عربستان سعودی دیده می‌شود که در جنگی تمام‌عیار علیه یکدیگر به سر می‌برند. دیلیپ هیرو<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) در تحقیق خود معتقد است تا زمانی که نیازهای کلان اقتصادی ایالات‌متحده همچون سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی سعودی در بازارهای آمریکا و نفت آنها تامین می‌گردد، آمریکایی‌ها به ایجاد تنش‌های نهان آشکار میان عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران دامن خواهند زد. به عبارتی دیگر، منافع اقتصادی بی‌شمار آمریکایی‌ها در منطقه خلیج فارس، این کشور را مجاب ساخته است که روابط دو کشور اسلامی در خلیج فارس همواره با تنش و تهدید و چالش مواجه باشد. سیمون مابون<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) در تحقیق خود به این نتیجه‌گیری دست یافت که مادامی که خطر شبه نظامیان شیعه در منطقه همچون حزب‌الله لبنان، حشد الشعبی عراق و انصار الله یمن و برای سعودی‌ها ادامه دار باشد، بسط روابط امنیتی و نظامی میان ایالات‌متحده و عربستان سعودی نیز

---

1 . Luiza Gimenez Cerioli

2 . Dilip Hiro

3 . Simon Mabon

ادامه دار خواهد بود و این مسئله خاورمیانه را به مثابه انبار باروتی خواهد نمود که هر لحظه در آستانه انفجار قرار دارد. الیه پاده<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی به این نتیجه گیری دست یافت که یکی از سیاست‌های بن سلمان در تشدید چالش‌ها با شیعیان منطقه بسط روابط امنیتی و نظامی با اسرائیل بوده است. چنین رویکردی به زعم بن سلمان نه تنها امنیت سعودی‌ها را بهبود می بخشد بلکه نیاز محض به حضور ایالات متحده در منطقه را کاسته و دامنه تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران را نیز تعمیق می بخشد.

نوآوری مقاله کنونی را می توان از بعد مهمترین رویکردهای امنیتی- سیاسی بن سلمان در قبال جمهوری اسلامی (بررسی مسئله کاهش یا شدت تنش‌ها) مورد مذاقه قرار داد.

## ب- مبانی نظری و روش

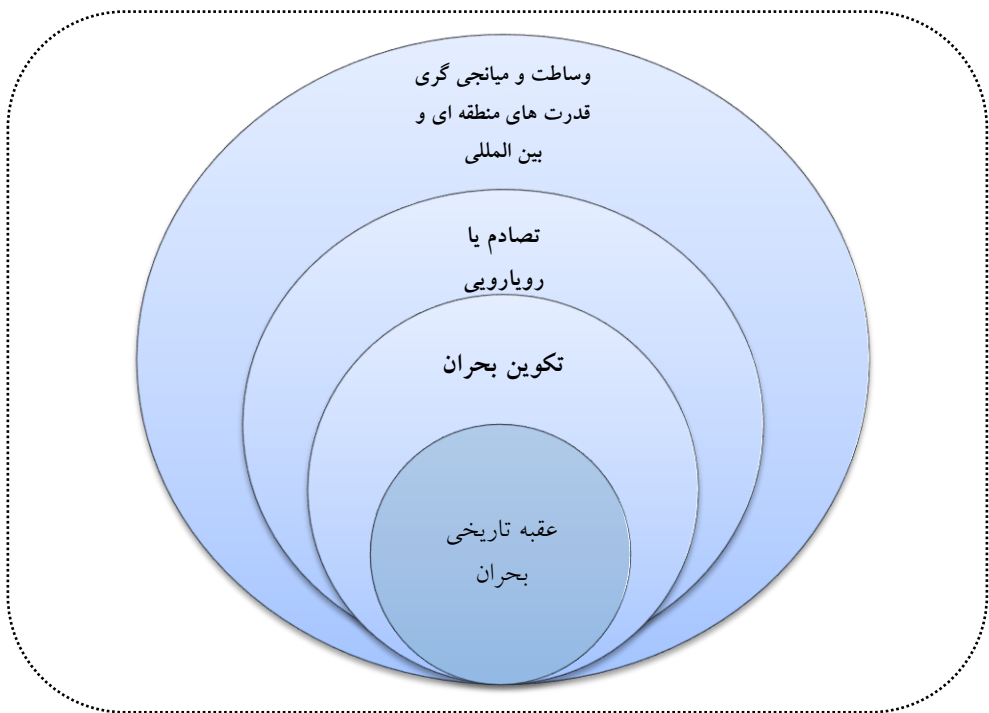
### ۱- مدل چرخه ای بحران هاگ میال

«مدل چرخه ای بحران<sup>۲</sup>» از سوی هاگ میال<sup>۳</sup> مطرح گردیده است که در آن، چند مرحله برای یک بحران در نظر گرفته شده است (Miall, 1999: 63). این مرحله به ترتیب عبارتند از:

- مرحله عقبه تاریخی بحران؛
  - مرحله تکوین بحران؛
  - مرحله تصادم و رویارویی؛
  - مرحله وساطت و میانجی گری سازمان‌ها و قدرت‌های بین المللی و منطقه ای (Miall, 1999: 68).
- در مرحله نخست، مجموعه ای از عوامل سبب می گردد که رقابت‌های سیاسی و ایدئولوژیکی میان رقبا به سمت و سوی بحران سوق یابد، لکن هنوز بحران به شکل جدی به وقوع نیافته است، به دیگر سخن در گام نخست، مجموعه‌ای از رویکردها همچون تهدید مستقیم و غیرمستقیم میان نیروهای سیاسی رقیب صورت می گیرد. عمده این تهدیدات حول زمانی به وقوع می پیوندد که طرفین، یکدیگر را به مثابه تهدیدی مهم بر سر نیل به هدف یا اهداف مورد نظر بیندارند. در مرحله

.....  
1 . Elih Podeh  
2 . Conflict Cycle Model  
3 . Hugh Miall

دوم یا تکوین بحران، رویکردهای طرفین تعیین کننده ادامه یا عدم ادامه بحران ها خواهد بود. بدین صورت که چنانچه رقبا وقتی به خواسته یکدیگر نگذارند، دامنه بحران ها تعمیق و میزان چالش ها رو به وخامت می گذارد. اصولاً ماهیت این مرحله، کوتاه آمدن طرفین از خواسته های خود می باشد، به دیگر سخن، اگر دامنه تهدیدات و ارعاب موثر واقع نشود و طرفین بر خواسته ها و اهداف خود پافشاری کنند، مرحله دوم به وقوع خواهد پیوست. در این مرحله، طرفین بحران، مشروعیت یکدیگر را زیر سوال برده و وجود یکدیگر را به مثابه خطری بزرگ برای اقتصاد، سیاست، امنیت و صلح تلقی می کنند (Miall, 2004 :6). در مرحله تصادم یا رویایی، درگیری های مسلحانه برای نابودی طرفین یا رقبا صورت می گیرد. مواردی همچون تروریسم، کودتا و جنگ از محتمل ترین موارد این مرحله است و در نهایت در مرحله وساطت و میانجی گری، کشورها و سازمان هایی که به نوعی مورد اتقان و وثوق طرفین درگیری هستند سعی می کنند نقش وساطت و میانجی گری را ایفا کنند تا دامنه بحران محدود شود یا در بدترین حالت تشدید نگردد (Miall, 2007 :19-20).



شکل شماره ۱- مدل چرخه ای بحران هاگ میال

(منبع: Miall, 1990:39)



در این مقاله نیز نویسندگان مساعی خود را صرف تطبیق تئوری هاگ میال و رویکردهای بن سلمان علیه جمهوری اسلامی ایران نمودند. در واقع مقاله کنونی، با محوریت قرار دادن تئوری مذکور در صدد تبیین دلایل تشدید تقابل گرایشی محمد بن سلمان علیه جمهوری اسلامی ایران در خلال سال های ۲۰۱۶ یعنی آغاز تصدی ولایتعهدی وی در نظام پادشاهی عربستان سعودی تا سال ۲۰۲۱ میلادی می باشد. در این رابطه، ابتدا در گام نخست، نویسندگان عقبه تاریخی بحران دو کشور را با بررسی خواهند نمود. نکته مهمی که در این مرحله نباید از قلم انداخت تبیین این مسئله است که مقالات و کتب و رساله‌های زیادی در خصوص عقبه تاریخی چالش‌ها و بحران‌های میان عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران نگاشته شده است لذا نویسندگان ضمن صرف نظر از دوران گذشته، آغاز این بحران را به دوران برجام اختصاص داده اند. در مرحله دوم، مطابق با تئوری هاگ میال نویسندگان به مرحله پتانسیل بحران خواهند پرداخت. در این مرحله، تلاش‌های بن سلمان برای آغاز رسمی روابط با رژیم صهیونیستی و تهییج سایر اعراب خلیج فارس برای بسط روابط آشکار با این رژیم، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در مرحله سوم یا مرحله تصادم یا رویایی، نویسندگان به دو مسئله اصلی طراحی توطئه‌های نرم در راستای براندازی جمهوری اسلامی و حمایت‌های بن سلمان از نیروهای تروریستی علیه ایران اشاره خواهند داشت و در نهایت در مرحله آخر یا مرحله وساطت می توان به تلاش‌های بن سلمان برای فعالیت‌های میانجیگرایانه دو کشور عمان و عراق اشاره نمود.

## پ- بدنه پژوهش

### ۱- عقبه تاریخی بحران: مواضع خصمانه بن سلمان در قبال مذاکرات هسته ای ایران (برجام)

عقبه تاریخی روابط پرتنش جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی صرفا به دوران پیروزی انقلاب اسلامی ایران و خطر تسری انقلاب به جوامع عربی به ویژه عربستان سعودی بر نمی گردد. حتی در دوران حکومت پهلوی اول و دوم نیز رگه های برجسته‌ای از روابط دیپلماتیک پرتنش میان دو کشور دیده می شود (صداقت، ۱۳۹۵: ۳۸). نویسندگان در اینجا ضمن چشم پوشی از تاریخ پرفراز و نشیب ایران و عربستان، با تاکید بر مسئله هسته ای شدن جمهوری اسلامی ایران، این دوره را به

عنوان مبنای تاریخی بحران در دوران بن‌سلمان در نظر گرفته‌اند اما در جدول ذیل برخی از مهمترین اختلافات و چالش‌های میان دو کشور را به اجمال بررسی خواهند نمود:

**جدول شماره ۱- برخی از مهمترین اقدامات و چالش‌های عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران**

ردیف	دوره- سال	اقدامات مستقیم - غیرمستقیم سعودی‌های علیه ایران
۱	پهلوی دوم ۱۳۳۲	قتل یکی از حجاج ایرانی به نام ابوطالب افخمی اردکانی در ملاً عام
۲	انقلاب اسلامی ۱۳۶۶	کشتار فجیعانه تعداد زیادی از حجاج ایرانی به دست نظامیان سعودی
۳	جنگ تحمیلی ۱۳۶۷-۱۳۵۹	حمایت‌های کلان اقتصادی سعودی‌ها از ارتش بعث عراق
۴	۱۳۹۲	حمایت وسیع سعودی‌ها از داعش تلاش وسیع سعودی‌ها در برکناری اسد متحد استراتژیک ایران در منطقه
۵	۱۳۹۲	حمایت وسیع سعودی‌ها از داعش و تلاش وسیع برای برکناری دولت نوری المالکی
۶	۱۳۹۴	جنگ یمن - تلاش وسیع سعودی‌ها در بازگرداندن عبدالربه منصور هادی و سرکوب انصارالله متحد استراتژیک جمهوری اسلامی ایران
۷	۱۳۹۴	تجاوز به دونوجوان ایرانی
۸	۱۳۹۴	فاجعه منا و کوتاهی گسترده سعودی‌ها در قبال حجاج ایرانی و سایر حجاج، تعلل سعودی‌ها در تحویل پیکر شهدای منا

(منبع: محقق ساخته)

به طور کلی، سیاست‌ها و رویکردهای جهان عرب در قبال برنامه هسته‌ای ایران بر پایه منافع و مصالح عربی استوار بوده است. به بیانی دیگر، رویکرد اعراب در قبال ایران هسته‌ای بایستی بتواند موازنه قدرت و بازدارندگی را برای آنان به همراه داشته باشد. لذا در منطق اعراب ایران هسته‌ای به هیچ عنوان نباید تنزل منزلت بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز قدرت آنان را سبب گردد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۶: ۵۷-۵۸). در این راستا، از آغاز مذاکرات تیم هسته‌ای جمهوری اسلامی و غرب

موسوم به گروه ۵+۱، محمد بن سلمان یکی از مخالفین قاطع انعقاد برجام بود. وی تفاهم غرب با مسئله ایران هسته‌ای را به مثابه تشدید ناآرامی منطقه ای و توسعه جاه طلبی‌های جمهوری اسلامی در پیگیری اهداف منطقه ای خود می‌پنداشت. این در حالیست که مسئله دستیابی جمهوری اسلامی ایران به انرژی هسته‌ای، گذشته از نیاز مبرم به این فناوری آن هم در عصر تشدید تحریم‌های بین‌المللی، به شدت به مسئله احیای اعتبار و منزلت جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی نیز پیوند خورده است (شکری و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۳۴). از طرفی، ریشه‌های خصومت و چالش سعودی‌ها نسبت به جمهوری اسلامی ایران تنها در مسئله هسته‌ای این کشور خلاصه نمی‌گردد بلکه به تعبیر سعود الفیصل، عمده نگرانی سعودی‌ها از تهدید هلال شیعی به رهبری ایران ماهیتی ایدئولوژیکی داشته و منبعث از انقلاب اسلامی این کشور، مسئله بسیج توده‌های شیعیان جهان عرب، ائتلاف راهبردی میان شیعیان منطقه و جمهوری اسلامی ایران و درنهایت تلاش‌های روزافزون ایران برای توسعه جاه‌طلبی‌ها می‌باشد (کریمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۱). لذا کاملاً بدیهی است با هسته‌ای شدن ایران و موافقت غرب با این مسئله هرچند با شرایط و ضوابط بین‌المللی توازن قوا در منطقه کاملاً به سود جمهوری اسلامی ایران رقم خواهد خورد و این مسئله ای نیست که اعراب خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی از آن به راحتی بگذرند. به همین سبب، بن‌سلمان ضمن مخالفت شدید از توافق‌نامه برجام، به راهکارهای مختلفی علیه این توافق نامه بین‌المللی مبادرت نمود:

نخست؛ افزایش خرید تسلیحات نظامی: با تصویب برجام بن‌سلمان در نخستین اقدام خود مجدداً به خرید و تجهیزات نظامی از برخی متحدین خود روی آورد. وی تنها در خلال ماه‌های مه ۲۰۱۵ تا مارس ۲۰۱۶ که در مقام وزرات دفاع عربستان سعودی قرار داشت و سپس در مقام ولایتعهدی عربستان منصوب شد، قراردادی به مبلغ ۳۳ میلیارد دلار تجهیزات نوین نظامی از ایالات متحده خریداری نمود (فروزان و عالیشاهی، ۱۳۹۸: ۱۵۸-۱۵۹)؛

دوم؛ مسئله توازن قوا برای بن‌سلمان و سران سعودی ایجاب می‌کرد که آنان نیز به فعالیت‌های هسته‌ای و ساخت نیروگاه‌های اتمی مبادرت نمایند. اقدامی که اتفاقاً از سوی بن‌سلمان به سرعت پیگیری گردید و جمهوری خلق چین نخستین کشوری بود که برای تاسیس نیروگاه‌های اتمی در عربستان با بن‌سلمان وارد مذاکره گردید و در ادامه بن‌سلمان با قراردادی دیگر به ارزش ۵۲ میلیارد دلار اینبار با کره جنوبی برای توسعه برنامه‌های هسته‌ای خود وارد مذاکره شد (سوری، ۱۳۹۹: ۸۴-۸۵).

سوم؛ تلاش برای تحریک ترامپ به الغای برجام: دولت دموکرات اوباما، برجام را به مثابه یکی از کارآمدترین قراردادهای تاریخ که برنامه هسته‌ای ایران را با محدودیت قابل توجه و نظارت کامل بر آن دارد، می‌نگریست. به همین دلیل اعتراضات و مخالفت‌های بن سلمان در افتناع خطرناک بودن این قرارداد راه به جایی ننگشود. اما این شرایط با پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری کاملاً متمایز گردید. برای ترامپ کسب بیشینه منافع اقتصادی ایالات متحده مهمترین اصل بود و بن سلمان نیز با حجم وسیعی از حمایت‌های اقتصادی تا حد بسیار زیادی ترامپ را افتناع و حتی حامی خویش قرار داد. به همین سبب ترامپ پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری در نخستین سفر خود راهی عربستان سعودی شد و در ادامه با سفر به اسرائیل شرایط را برای تحقق هرچه سریعتر ائتلاف سه گانه آمریکا- اسرائیل و عربستان مهیا نمود. مجموع اقدامات صورت گرفته در تشدید مشی ضدایرانی ترامپ کارگزار افتصاد و وی برجام را تهدیدی بزرگ برای ادامه ماجراجویی‌های ایران در منطقه خواند و دولت اوباما را به سبب انعقاد آن، دولتی ضعیف و خائن که بزرگترین اشتباه را انجام داده است نامید و طبق وعده‌های از پیش داده از همان ابتدا تهدید به خروج برجام نمود و در ادامه نیز با انجام اینکار و الغای یکجانبه برجام سند بین‌المللی تفاهم هسته‌ای ایران و غرب را بی اعتبار ساخت (رستمی و تارا، ۱۳۹۷: ۱۳۷-۱۳۸).

چهارم؛ تمسک به لابی‌های قدرتمند سعودی در آمریکا: گذشته از لابی‌های بسیار قدرتمند صهیونیستی در ایالات متحده، لابی عربی این کشور نیز بعضاً از قدرت تاثیرگذاری بالایی برخوردار است. اصولاً دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی را می‌توان آغاز تلاش سلاطین سعودی به تاسیس لابی‌های عربی در ایالات متحده دانست. در آن اوان، شاهان سعودی از برخی دیپلمات‌های آمریکایی تقاضای ایجاد یک لابی عربی در برابر لابی‌های صهیونیستی کرده بودند. لابی که نقش ان حمایت از آزادی قدس و مسئله فلسطین بوده است. هرچند پرواضح است با توجه به روابط دامنه دار و راهبردی ایالات متحده و اسرائیل از همان ابتدا، لابی عربی در برابر لابی‌های قدرتمند صهیونیستی بسیار ضعیف و ناچیز جلوه نموده است. از سال ۲۰۱۵ میلادی به بعد، تعداد لابی‌های سعودی فعال در ایالات متحده از ۲۵ لابی به ۱۴۵ لابی افزایش یافت و بیش از ۱۸ میلیون دلار برای آغاز فعالیت لابی‌های جدید هزینه گردید (سیمبر، پیرمحمدی و لطفی، ۱۳۹۸: ۸۳). با آغاز ولایتعهدی بن سلمان در عربستان، فعالیت لابی‌های این کشور در ایالات متحده بسیار گسترده تر گردید به نحوی که میزان هزینه‌های لابی‌ها به حدود ۳۶ میلیون دلار افزایش یافت و بیش از ۲۰۰ نفر در ایالات متحده به

صورت مستقیم و غیرمستقیم حافظ منافع سعودی‌ها بوده‌اند. سپس بن سلمان توانست با همکاری سلمان الانصاری رئیس کمیته امور روابط عربستان و آمریکا، کمیته روابط عمومی آمریکا و عربستان با نام اختصاری «سایراک»<sup>۱</sup> را در واشنگتن تاسیس نماید تا به نوعی در برابر لابی قدرتمند صهیونیستی با عنوان «کمیته روابط عمومی آمریکا-اسرائیل» یا «آپیک»<sup>۲</sup> قرار گیرد.



شکل شماره ۲- برخی از مهمترین لابی‌های سعودی فعال در ایالات متحده، اقدامات و هزینه‌ها<sup>۳</sup>

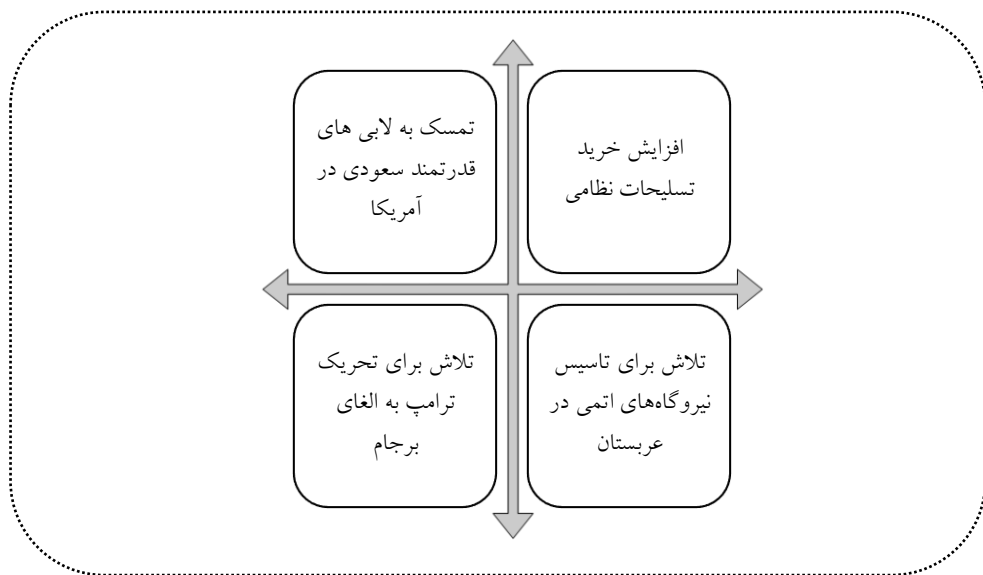
(منبع: محقق ساخته)

۱ . The Saudi American Public Relation Affairs Committee (SAPRAC)

۲ . American Israel Public Affairs Committee

۳ . در این رابطه رجوع کنید به: شبکه لابی‌های سعودی در واشنگتن، خبرگزاری همشهری، ۱۳۹۷/۱۲/۷، قابل دسترسی

در: <https://newspaper.hamshahrionline.ir/id/49139>



شکل شماره ۳- چهار رویکرد کلان محمدبن‌سلمان در قبال برنامه هسته‌ای ایران

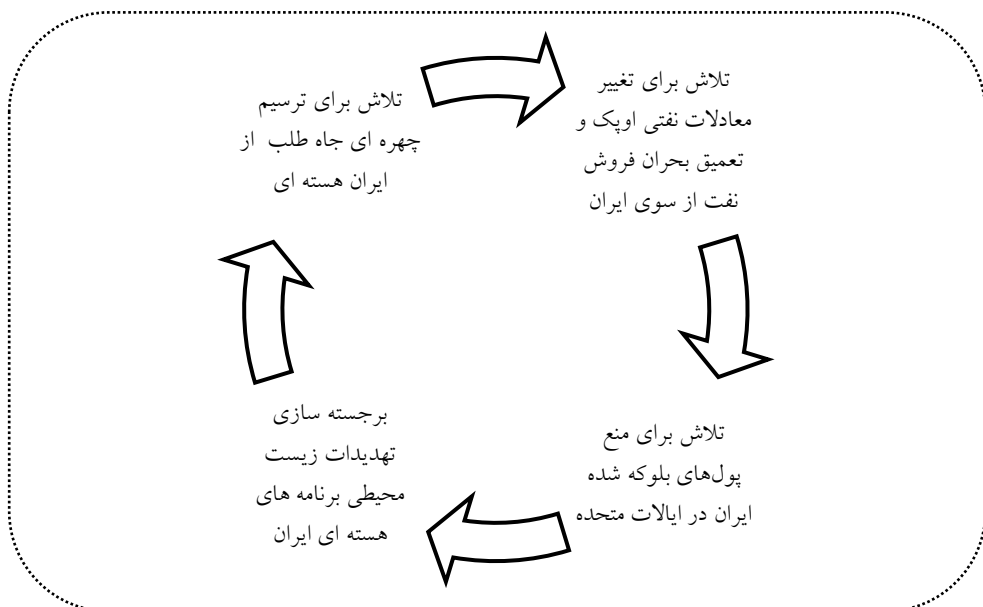
(منبع: محقق ساخته)

اما برخی از مهمترین اقدامات صورت گرفته از سوی لابی سعودی پس از انعقاد برجام عبارتند از: نخست؛ تلاش برای تغییر معادلات نفتی اوپک و تعمیق بحران فروش نفت از سوی ایران: بن سلمان در همان ماه‌های ابتدایی تصویب برجام تلاش خود را در راستای افزایش صادرات نفتی عربستان، دیدارهای متعدد با خریداران نفت ایران و تلاش برای جایگزینی نفت عربستان به جای ایران و اقناع آنان صورت داد. این مسائل به خوبی می‌توانست فشارهای اقتصادی بر ایران را تشدید نماید و اوضاع را به نفع عربستان در اوپک تغییر دهد. این مسئله زمانی ملموس تر می‌گردد که عربستان بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی انرژی را به سبب محدودیت‌های بین‌المللی ایران، از حضور و سرمایه‌گذاری در این کشور منع می‌کرد چرا که اعمال تحریم‌های شدید بین‌المللی علیه ایران، برخی از شرکت‌های محدودی که در ایران فعالیت می‌کردند مجبور به خروج شدند. بنابراین بن سلمان با افزایش بی سابقه صادرات نفت نخست از قیمت نفت در بازارهای جهانی کاست، سپس قدرت مانور سعودی‌ها در بازارهای بین‌المللی را تشدید نمود و به همه خریداران نفت ایران وعده جایگزینی نفت این کشور و حتی با قیمتی پایین تر داد (Mabon, Nasirzadeh and Alrefai, 2021: 75-77).

دوم؛ تهییج و تحریک سران ایالات متحده به عدم آزاد سازی پول های بلوکه شده جمهوری اسلامی. به زعم بن سلمان، از آنجایی که یکی از مفاد مهم برجام، تعهد ایالات متحده و برخی دیگر از کشورهای اروپایی به آزاد سازی بخش‌های مهمی از پول های بلوکه شده ایران بوده است، آزاد سازی این پول‌ها و دستیابی ایران به دارایی‌های خود می‌توانست این کشور را بیش از پیش به اهداف مورد نظرش کمک نماید؛

سوم؛ تلاش برای برجسته‌سازی تهدیدات زیست محیطی برنامه‌های هسته‌ای ایران و برجسته‌سازی این مسئله که نیروگاه اتمی بوشهر به سبب برخورداری از فناوری‌های قدیمی روسیه از میزان اندکی از امنیت برخوردار است لذا ایجاد هرگونه خطر انفجار در این نیروگاه و متعاقب آن آلودگی‌های عظیم زیست محیطی (اعم از آلودگی‌های دریایی و هوایی) تهدیدی جدی برای محیط زیست کشورهای عربی منطقه ایجاد خواهد نمود؛

چهارم؛ تلاش برای ترسیم چهره‌ای جاه طلب از ایران هسته‌ای؛ کشوری که با تسلیحات هسته‌ای توازن و امنیت منطقه را به هم زده و هژمونی خاورمیانه را یقیناً به سود شیعیان تغییر خواهد داد (سیمبر، پیرمحمدی و لطفی، ۱۳۹۸ : ۸۱-۸۳).



شکل شماره ۴- مهمترین اقدامات صورت گرفته از سوی لابی سعودی پس از انعقاد برجام

(منبع: محقق ساخته)

## ۲- مرحله تکوین بحران: تلاش بن سلمان برای بسط روابط سیاسی - امنیتی با رژیم

### صهیونیستی

به تعبیر نویسندگان، پس از شکست دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، بن سلمان یکی از مهمترین و اصلی‌ترین حامیان بین‌المللی خود را از دست داد. این مسئله زمانی رنگ و بوی واقع‌تری به خود می‌یابد که ترامپ نیز همچون بن سلمان سیاست‌های ضد ایرانی چشمگیری داشته است. لذا بن سلمان پس از ترامپ، سیاست‌های خود را به بسط روابط با رژیم صهیونیستی سوق داد تا در گام اول بتواند خلا ترامپ را پر کرده و ثابا از ظرفیت‌های دشمنی صهیونیست‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران نهایت بهره را ببرد. در ذیل برخی از مهمترین دلایل بن سلمان برای بسط روابط سیاسی - امنیتی با رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

## ۲-۱- پوشش خلا حمایت‌های ترامپ پس از شکست در انتخابات ریاست جمهوری

### ایالات متحده

بن سلمان در آغاز سمت ولایتعهدی از حمایت‌های بسیار جمهوری خواهان و شخص دونالد ترامپ برخوردار بود. به همین سبب، اقداماتی نظیر انعقاد قرارداد حیرت‌انگیز نظامی به مبلغ ۴۶۰ میلیارد دلار و حمایت‌های کلان اقتصادی و تجاری از طرح‌های اقتصادی و تجاری ترامپ در ایالات متحده همواره روابط حسنه‌ای میان وی و ترامپ ایجاد نموده بود. در واقع بن سلمان برای کسب حمایت‌های ترامپ از اقداماتش، اجباراً چنین باج‌های کلان اقتصادی را به وی پرداخت می‌کرد. اقداماتی نظیر ترور جمال قاشقچی، اتهامات گسترده بن سلمان در دادگاه‌های بین‌المللی به سبب نقض آشکار حقوق بین‌المللی، اتهامات وسیع منطقه‌ای و بین‌المللی به وی در جریان جنگ یمن، چالش‌های عدیده بن سلمان در مسائلی همچون اعدام و شکنجه و حقوق بانوان در نظام سعودی که همگی به نوعی با حمایت‌های ترامپ و تو گردیده بود را می‌توان در این راستا نام برد (Wilson, 201-203: 2019). بن سلمان که از پیروزی ترامپ در انتخابات صورت گرفته سال ۲۰۲۰ به نوعی اطمینان داشت، مساعی خود را به سمت و سوی ایفای نقش مستقیم و غیرمستقیم برقراری مجدد روابط سیاسی اعراب خلیج فارس همچون امارات، بحرین و عمان با اسرائیل نموده بود تا طرح معامله قرن به بهترین نحو مطمح نظر ترامپ و صهیونیست‌ها رقم بخورد، اما شکست ترامپ در



انتخابات ریاست‌جمهوری و پیروزی جو بایدن<sup>۱</sup> رقیب دموکرات ترامپ، معادلات سیاسی بن‌سلمان را تا حد زیادی برهم زد. این مسئله زمانی رنگ و بوی واقع‌تری به خود می‌یابد که بایدن در برخی از سخنرانی‌های پیش و حین کارزار انتخابات، مکرراً سعودی‌ها بالخصوص محمد بن سلمان را تهدید به بازخواست‌های حقوقی و سیاسی نموده بود. بن سلمان نیز با تمسک به توسعه روابط با اسرائیل سعی دارد از یک سو خلا حمایت‌های کلان ترامپ را جبران و در ادامه راه حل موثقی برای جلوگیری از بازخواست‌های بایدن (از سعودی‌ها) ایجاد نماید (Gearan, 2020: 1-2). در واقع به نظر می‌رسد بن سلمان با این سیاست سعی در تحقق دو مسئله کلان دارد:

نخست؛ پوشش خلا حمایت‌های ترامپ به ویژه در زمینه‌های امنیتی و سیاسی و جایگزینی آن از طریق جلب رضایت و حمایت صهیونیست‌ها؛  
دوم؛ با توجه به روابط حسنه صهیونیست‌ها با جو بایدن بن سلمان سعی در واسطه‌قرار دادن صهیونیست‌ها برای توسعه روابط بایدن و سعودی‌ها دارد.

## ۲-۲- اثبات شایستگی برای پادشاهی آینده سعودی‌ها در ازای عادی‌سازی روابط با صهیونیست‌ها و تحقق طرح معامله قرن<sup>۲</sup>

معامله قرن یا طرح صلح ترامپ پیشنهاد صلح بین اسرائیل و فلسطین به منظور حل و فصل منازعه فلسطین-اسرائیل است که از سوی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده مطرح شد. این طرح به ابتکار جرد کوشنر<sup>۳</sup> مشاور ارشد آمریکا تدوین شده‌است. طبق این طرح، اسرائیل در ازای دریافت امتیازهایی فراتر از تعهدات قبلی سازمان آزادی‌بخش فلسطین و قطعنامه‌های شورای امنیت و الحاق بخش‌هایی از مناطق اشغال‌شده به خاک خود، با تشکیل دولت مستقل فلسطینی موافقت می‌کند. محمود عباس رئیس‌تشکیلات خودگردان فلسطین و بسیاری از مقامات فلسطینی و کشورهای دیگر با این طرح به شدت مخالفت کرده‌اند. این طرح قرار است برای پایان دادن به بیش از ۷۰ سال منازعه فلسطین-اسرائیل پیشنهاد شود. بر اساس این طرح بخش‌هایی دیگر از فلسطین شامل نیمی از کرانه باختری و بخشی از بیت‌المقدس شرقی که از نظر جامعه جهانی به فلسطین تعلق دارد، به اسرائیل واگذار می‌شود و در عوض اسرائیل با تشکیل کشور مستقل فلسطینی در نیمه دیگر

.....  
1 . Joe Biden

2 . The Trump Peace Plan or "the Deal of the Century"

3 . Jared Corey Kushner

کرانه باختری و تمام نوار غزه و چندین محله از بیت المقدس شرقی موافقت می‌کند. بر اساس این طرح شهر ابودیس به جای بیت المقدس به‌عنوان پایتخت فلسطین در نظر گرفته خواهد شد. همچنین طبق این طرح فلسطینیان باید از حق بازگشت به سرزمین خود که طبق قطعنامه ۱۹۴ شورای امنیت به رسمیت شناخت شده صرف نظر کنند بر اساس گمانه‌زنی‌هایی که از متن معامله در رسانه‌های اسرائیلی منتشر شده، داشتن ارتش برای فلسطین جدید ممنوع است (قاسمیان، ۱۳۹۸: ۱۳۰). بررسی دقیق و موشکافانه معامله قرن خارج از حوصله بخش کنونی است اما مسئله مورد نظر و حائز اهمیت نقش و تاثیرگذاری بن سلمان در تحقق معامله قرن می‌باشد. به طور کلی، استراتژی‌های بن سلمان در قبال تحقق هرچه بهتر معامله قرن شامل چند مسئله ذیل می‌گردد:

نخست؛ تغییر دیپلماسی «دسته چک»: پس از صرف هزینه‌های میلیارد دلاری سعودی‌ها از پاکستان تا هند و از لبنان تا اردن و شمال آفریقا، علنا دستاوردهای مطمح نظر سران سعودی درخصوص سیاست خارجی تامین نگردید. این مسئله به ویژه درجریانات منتهی به بیداری اسلامی و پس از آن، منجر به ترک قدرت بسیاری از متحدین سعودی همچون حسنی مبارک و منصور هادی گردید. به همین سبب، بن سلمان در راستای تحقق دو مسئله یکی کاهش محسوس هزینه‌های سعودی در کشورهای عمدتاً فقیر و ضعیف منطقه و سپس در راستای جایگزین کردن یک متحد استراتژیک و قدرتمند همچون رژیم صهیونیستی به جای ده‌ها کشور فقیر و ناکارآمد سعی در تغییر مواضع خود در قبال صهیونیست‌ها برآمد. به همین سبب، وی در راستای جلب نظر صهیونیست‌ها به شدت سعی در خوش‌خدمتی سیاسی برای آنان در تحقق معامله قرن می‌باشد (Blumenthal, 2020: 114-116)؛ دوم؛ پیشنهاد رشوه صد میلیارد دلاری به محمود عباس: رویکرد دوم بن سلمان در خصوص تحقق معامله قرن که البته با شکست مواجه گردید، پیشنهاد رشوه سنگین صدمیلیارد دلاری به محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین بوده است که با مخالفت صریح عباس و انزجار وسیع فلسطینیان مواجه گردید (Abu Toameh, 2019:2-3)؛

سوم؛ نقش پررنگ محمدبن سلمان در وقوع کودتای اردن: پس از آنکه عبدالله دوم، پادشاه اردن حاضر به مصالحه و معامله و ایفای نقش مورد نظر بن سلمان و صهیونیست‌ها (یعنی فراهم کردن شرایط حضور بسیاری از فلسطینیان در اردن به مثابه وطن دوم پس از تحقق معامله قرن) نشد، کمتر از چند ماه، با یک کودتای سفیداز سوی حمزه بن حسین بزرگترین پسرش علیه عبدالله دوم (برادرش)، مواجه شد. در رابطه با نقش محمد بن سلمان و ارتباط این مسئله با معامله قرن دو مسئله

اصلی مطرح است. نخست؛ عدم پذیرش عبدالله دوم در حضور و ایفای نقش سازنده در تحقق معامله قرن و دوم؛ نقش بن سلمان در این کودتا. در خصوص علت مسئله نخست، بایستی خاطرنشان شد که علت عدم پذیرش عبدالله دوم در ایفای نقش سازنده در معامله قرن به نگرانی‌های فزاینده وی در خصوص واکنش‌های کشورهای اسلامی علیه اردن بوده است چراکه پایان دادن به حمایت‌های تلویحی و تصریحی عبدالله دوم، از آرمان‌های قدس، مسجدالاقصی و آزادی فلسطینیان به معنای پایان کمک‌هایی است که کشورهای غربی به اردن می‌نمودند. در خصوص نقش بن سلمان در این رویداد می‌توان به پایان تاریخ کارآمدی حکومت عبدالله دوم برای سعودی‌ها اشاره داشت. در واقع، عدم پذیرش عبدالله دوم در خصوص ایفای نقش سازنده در معامله قرن، به مثابه پایان تاریخ انقضای وی برای سعودی‌ها بوده است، لذا بن سلمان با همکاری سازمان موساد در اقدامی متهورانه سعی در تحقق کودتا و واگذاری حکومت به شاهزاده حمزه که جوانی جاه طلب به شمار می‌رود، داشته است (Sharp, 2021: 8-10).

## ۲-۳- تغییر رویکرد رهبران نسل جدید عرب و گذار از تهدیدات اسرائیل به تهدیدات

### جمهوری اسلامی ایران

در ابتدای دوران تنش زای میان اعراب و اسرائیل، جهان عرب با اتکا بر دو مسئله کلان به مسئله ظهور صهیونیست‌ها در قالب یک کشور یهودی می‌نگریستند: نخست؛ وجود یک آرمان قدرتمند مبتنی بر ناسیونالیسم عرب و دوم؛ وجود رهبران کاریزماتیکی همچون جمال عبدالناصر (Herzog and Gazit, 2005:253-256). اما دو مسئله اصلی، ناسیونالیسم عرب را با استحاله‌هایی عمیق مواجه نموده و تهدیدات اصلی بقا و موجودیت خود را از سوی جبهه شیعیان دیده است:

نخست؛ چرخش پارادایمی غالب اعراب خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی از عناد و خصومت از اسرائیل به سمت ایران و جبهه مقاومت (به ویژه نفوذ روز افزون ایران در میان برخی از کشورهای عربی منطقه در دوران پساداعش) (Coll, 2017: 316-318)؛

دوم؛ تهدیدات فزاینده بقای حاکمیت و سلطنت اعراب محافظه‌کار (به ویژه شیخ نشینان خلیج فارس) از سوی ایران هسته‌ای (Hope and Scheck, 2020: 248-249).

### ۳- مرحله تصادم یا رویارویی

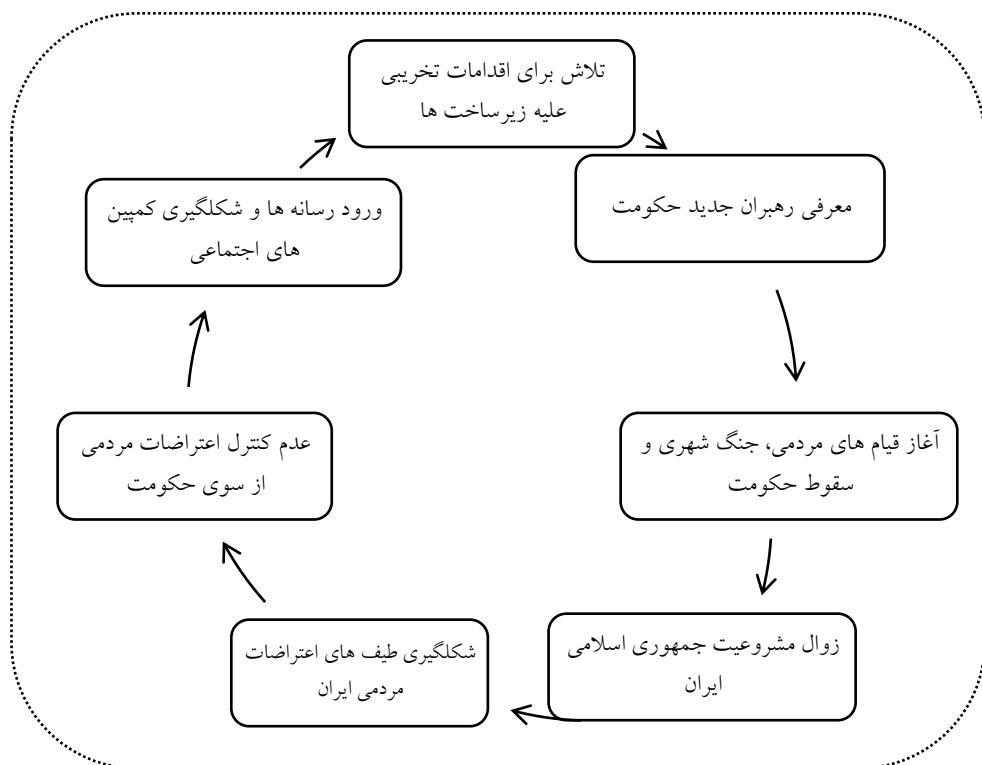
در مرحله تصادم یا رویایی، نویسندگان به دو مسئله اصلی طراحی توطئه‌های نرم در راستای براندازی جمهوری اسلامی و حمایت‌های بن سلمان از نیروهای تروریستی علیه ایران خواهند پرداخت.

#### ۳-۱- طراحی توطئه‌های نرم در راستای براندازی جمهوری اسلامی ایران

در این رابطه می‌توان به تنظیم اسناد توطئه‌آمیز بن سلمان و با هدف براندازی نرم جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۷ میلادی اشاره داشت. پس از سفر ترامپ به عربستان، محمد بن سلمان که پیشتر تمام تلاش خود را علیه برجام و لغو آن از سوی ایالات متحده و دیگر متحدین غربی بکار گرفته بود، اینبار در قالب تنظیم دو سند به نام‌های «عنکبوت» و «نمرود» که هر دو عنوان کنایه‌های تحقیرآمیزی علیه ایران بوده‌اند و برنامه‌های توطئه‌آمیز طراحی شده را به ترامپ نیز نشان داد. هدف اصلی هر دو پروژه محاصره همه جانبه و براندازی جمهوری اسلامی ایران با تمسک به سیاست‌ها و راهکارهای نرم بدون هرگونه اقدامات جنگ طلبانه بوده است. در طرح عنکبوت بن سلمان در یک برنامه سه ساله مدعی سقوط حکومت جمهوری اسلامی بود که بر اساس آن طیفی از توطئه‌های سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای و سایبری علیه ایران به انجام می‌رسید. این مهم به زعم بن سلمان ابتدا از طریق فشارها و تحریم‌های همه جانبه اقتصادی علیه ایران صورت می‌گرفت و در مرحله دوم با اعمال فشارهای شدید سیاسی به سران نظام ایران چند پیامد مهم و مخرب دیگر را به همراه می‌داشت:

- نخست؛ زوال مشروعیت جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از بزرگنمایی فساد مسئولین؛
- دوم؛ شکلگیری طیف وسیعی از اعتراضات مردمی علیه حکومت و مسئولین؛
- سوم؛ کنترل دشوار حکومت مرکزی ایران بر روند اعتراضات مردمی؛
- چهارم؛ ورود رسانه‌های بین‌المللی و شکلگیری انواع کمپین‌های مختلف ضدحکومتی؛
- پنجم؛ تلاش برای انجام اقدامات مخرب علیه زیرساخت‌های اصلی حکومتی؛
- ششم؛ معرفی رهبران جدید برای حکومت ایران با گرایشات غربی؛
- هفتم؛ آغاز قیام‌های مردمی از طریق به آشوب کشاندن شهرهای بزرگ، وقوع جنگ شهری و در

نهایت سقوط حکومت مرکزی!



شکل شماره ۷- مهمترین اهداف پیاده‌سازی سند توطئه عنکبوت بن‌سلمان علیه ایران (منبع: محقق ساخته)

بن سلمان در تشریح برنامه‌های این سند برای ترامپ اذعان داشت که برخی از اقدامات ابتدایی در این راستا صورت پذیرفته است. به عنوان مثال، حمایت از یک سازمان امنیتی در منطقه بلوچستان ایران و دستیابی آنان به برخی از اطلاعات امنیتی مهم در منطقه زاهدان و تعامل گسترده با برخی از گروه‌های تروریستی و جدایی طلب در خوزستان (Dodge, 2018: 11).

سند توطئه دوم، با عنوان «نمرود» با هدف اصلی انزوای مطلق جمهوری اسلامی ایران در جهان و منطقه تنظیم گردید. این طرح با اتکا به رسانه‌های قدرتمند به انجام می‌رسید به این صورت که با

۱. در این رابطه رجوع کنید به: خط‌تان لخرق ایران من الداخل: إعلام وأمن وتجويع... فانقلاب، الاخبار لبنان، قابل

دسترسی در: [https://al-akhbar.com/KSALeaks\\_Iran/277163](https://al-akhbar.com/KSALeaks_Iran/277163)

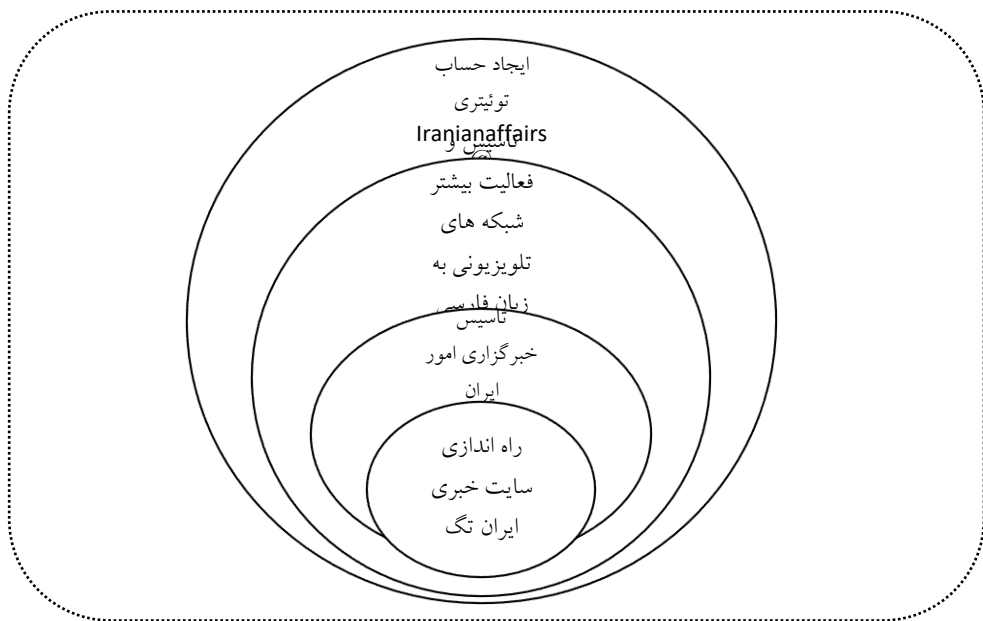
بزرگ‌نمایی خطر ایران و تهدیدات این کشور در منطقه از سوی رسانه‌ها، طیف وسیع ایران‌هراسی و در ادامه انزوای این کشور صورت گیرد. به همین سبب، بن‌سلمان با حمایت وسیع از اقدامات رسانه‌ای علیه ایران، سیاست‌های ذیل را در سند نمود به اجرا گذارد:

نخست؛ راه‌اندازی سایت خبری «ایران‌تگ»<sup>۱</sup> با هدف رصد تمامی اخبارهای تلویزیونی داخلی و خارجی که علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کنند و ترویج بیش از پیش آن در افکار عمومی به زبان‌های انگلیسی، عربی، فرانسوی، آلمانی و اسپانیایی

دوم؛ تأسیس خبرگزاری امور ایران به زبان فارسی؛

سوم؛ تأسیس و فعالیت‌های بیشتر شبکه‌های تلویزیونی فارسی زبان؛

چهارم؛ ایجاد حساب توئیتری «@Iranianaffairs» با هدف انتشار اسناد فساد و خیانت مسئولین نظام ایران<sup>۲</sup>



شکل شماره ۸- مهم‌ترین اقدامات رسانه‌ای بن‌سلمان در سند توطئه نمود علیه ایران

(منبع: محقق ساخته)

1 . Iran Tag

۲ . در این رابطه رجوع کنید به: خط‌تان لخرق ایران من الداخل: إعلام وأمن وتجويع... فانقلاب، الاخبار لبنان، قابل

دسترسی در: [https://al-akhbar.com/KSALeaks\\_Iran/277163](https://al-akhbar.com/KSALeaks_Iran/277163)

### ۳-۲- نفوذ تروریسم به مرزهای ایران از سوی بن سلمان

روابط سیاسی عربستان ایران به ویژه از انقلاب اسلامی ایران، هیچگاه دارای گستردگی و مبتنی بر روابط حسنه نبوده است. هرچند گاه‌ها روابط به سبب روی کار آمدن دولت‌های مختلف در ایران به ویژه در دوران ریاست جمهوری مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از حالت چالش خارج و حتی بعضاً روابط حسنه ای فیمابین دو کشور برقرار می گردید، لکن در مجموع، روابط سیاسی دو کشور از پیروزی انقلاب اسلامی به بعد هیچگاه از ثبات برخوردار نبود. این مسئله با حضور بن سلمان در ولایتعهدی عربستان سعودی نه تنها بهبود نیافت، بلکه عملاً دامنه تنش ها و بحران های سیاسی دو کشور به بیشترین میزان خودحداقل در دودهه اخیر رسیده است. در این میان رویدادهایی همچون کوتاهی مسئولان سعودی در فاجعه منا و تجاوز به دو نوجوان ایرانی در فرودگاه جده میزان بحران در روابط دیپلماتیک میان دو کشور را علناً به مرحله جنگ سرد کشاند اتهامات مکرر به نقض حقوق بشر و اتهام حمایت از تروریسم و جدال‌های لفظی مسئولان دو کشور را می توان در این رابطه ذکر نمود. بن سلمان نیز در این راستا با مدعی گردید که چنانچه ایران از رویکردهای حمایتی خود از یمن و سایر مناطق خلیج فارس دست نکشد، یقیناً عربستان سعودی دامنه جنگ و بحران و ناامنی‌ها را به مرزهای درونی ایران خواهد کشاند (فروزان و عالی‌شاهی، ۱۳۹۸: ۱۵۳). در این راستا، بن سلمان با حمایت بسیاری از گروهک‌های تروریستی همچون داعش در حمله به مجلس و بارگاه امام خمینی در تهران، گروهک جندالظلم در ناامن نمودن مرزهای جنوب شرقی کشور و حتی حمایت‌های وسیع از گروه تجزیه طلب «الاحوازیه» نشان داد سیاست‌های خصومت‌آمیز در قبال ناامن کردن مرزهای ایران را کاملاً مد نظر دارد.

### ۴- مرحله وساطت و میانجیگری

مرحله وساطت و میانجیگری به تعبیر هاگ میال، آخرین مرحله از چرخه بحران می باشد. بن سلمان پس از طراحی و اجرای طیف مختلفی از سیاست‌های خصمانه و تنش ساز علیه جمهوری اسلامی ایران و تقریباً ناکام ماندن در بسیاری از این استراتژی‌ها به ویژه در شرایطی که ترامپ از دوره دوم ریاست جمهوری ایالات متحده با شکست مواجه گردید، به نوعی سعی در تنش زدایی و تلطیف روابط با جمهوری اسلامی نمود. در این راستا، وی با تمسک به اقدامات میانجی گرایانه دو

کشور عمان و عراق، سعی در بسط گفتگوها و مذاکرات با ایران دارد. در ذیل نویسنده دلایل بن‌سلمان در انتخاب دو کشور عمان و عراق به مثابه میانجیگران بهبود روابط و تنش‌زدایی عربستان-ایران اشاره خواهد نمود.

#### ۴-۱- تلاش بن‌سلمان برای میانجی‌گری عمان

در میان اعراب خلیج فارس، شاخص‌های روابط خارجی عمان تفاوت‌های محسوسی با سایر اعراب این منطقه دارد. نخست اینکه عمان همچون بیشتر اعراب منطقه تابع محض سیاست‌های ریاض نیست. دوم آنکه عمان در بیشتر تاریخ حیات سیاسی خود صلح را به جنگ و خصومت ترجیح داده است. چنین استراتژی از سوی عمان در قبال جمهوری اسلامی نیز قابل ذکر است (برزگر و دیگران، ۱۴۰۰: ۹۶). از یک سو عمان در هیچ یک از چالش‌های عمیق تهران-ریاض مداخله ننموده و از سویی دیگر این کشور حتی در تنش‌های سیاسی-امنیتی تشدید یافته واشنگتن-تهران نیز مداخله نکرده است چرا که به تعبیر سیاستمداران عمانی، هرگونه جنگ و تنش در خلیج فارس، تهدیدات ژئوپلیتیکی و اقتصادی کلانی برای آنان به همراه خواهد داشت (نطاق پور نوری، بشارتی و رفیعی، ۱۳۹۶: ۶۵). از طرفی دیگر، برای سران سعودی نیز عمان می‌تواند یک بازیگر مهم و اثرگذار تلقی گردد. نخست آنکه عمان همچون یمن و عراق و سوریه، هیچگاه متحد استراتژیک جمهوری اسلامی ایران نبوده است و ثانیاً به لحاظ ناسیونالیستی و ابعاد اقتصادی قربت بیشتری با سعودی‌ها دارد. ثالثاً عمان همواره نقش میانجی‌گرایانه در بیشتر خصومت‌ها و چالش‌های دولت‌های منطقه را عهده دار بوده است لذا محمد بن سلمان با آگاهی از این مسائل به ویژه نقش مصلحانه عمان در منطقه، ابتدا در دوران سلطان قابوس اقدام به پیشنهاد طرح مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران داده بود و در دوران پادشاهی هیثم بن طارق نیز بارها اعلان نمود که عمان را به عنوان کشور میانجیگر در بررسی وضعیت روابط با جمهوری اسلامی ایران می‌پذیرد (Katzman, 2021: 7-9). اما به تعبیر نویسندگان این راهبرد بن‌سلمان نیز به دو دلیل اصلی با شکست مواجه خواهد شد:

نخست؛ به دلیل نیاز عمان به کمک مالی همسایگان عربی به ویژه عربستان سعودی و امارات، مسقط خواه ناخواه در سیاست‌های میانجی‌گرایانه خود رعایت اعتدال را نخواهد نکرد؛ دوم؛ تلاش‌های بن‌سلمان برای از سرگیری مجدد روابط دیپلماتیک عمان با رژیم صهیونیستی و تمایل دوجانبه عمان-اسرائیل به این روابط مجدد.



#### ۴-۲- تلاش بن سلمان برای میانجی‌گری عراق

دومین کشوری که بن سلمان در راستای میانجی‌گری تنش‌ها با جمهوری اسلامی بدان تاکید دارد، عراق می‌باشد. درخصوص این مسئله که چرا بن سلمان به این کشور در مقام یک میانجی مهم نگریده است، می‌توان چند دلیل اصلی را ذکر نمود:

نخست آنکه؛ ایران روابط سیاسی خود را با عراق به ویژه پس از سقوط صدام بسیار توسعه داده است و این مسئله در پس‌انداز شکل ملموس‌تری به خود یافته است به نحوی که امروز جمهوری اسلامی ایران و عراق را می‌توان دو متحد استراتژیک قلمداد کرد، بنابراین، یقیناً عراق بیش از عمان مورد اتقان جمهوری اسلامی ایران است؛

دوم؛ به رغم همگرایی‌های نزدیک ایران و عراق، امروزه جریان‌هایی همچون صدر، همواره بر عراقی مستقل تاکید داشته است. این گرایش‌ها ناسیونالیستی در عراق، بعضاً بر چالش میان این کشور و ایران اثرگذار بوده است. لذا بن سلمان با تاکید بر عراقی مستقل این کشور را به مثابه یک میانجی پذیرفته است (عالیشاهی، فروزان و مسعودنیا، ۱۳۹۸)

سوم؛ بسط روابط سیاسی و بهبود تنش‌ها میان بغداد- ریاض در زمان نخست وزیری مصطفی الکاظمی می‌تواند فرصت مناسبی برای عراقی‌ها ایجاد نماید تا بتوانند در مقام یک میانجی، تنش‌های میان سعودی‌ها و ایرانی‌ها را کاهش دهند. به ویژه آنکه تحقق این مسئله می‌تواند به شدت پرستیژ سیاسی و دیپلماتیک عراق در منطقه را افزایش داده و در ادامه حتی بسترساز میانجی‌گری این کشور برای سایر کشورهای خلیج فارس همچون امارات و بحرین با جمهوری اسلامی ایران نیز گردد (Blumberg and Yaghi, 2021: 3-5).

#### نتیجه‌گیری

پس از وقوع تحولات منطقه خاورمیانه و آغاز امواج اعتراضی مردم علیه حکومت‌های استبدادی که با عنوان بیداری اسلامی از آن یاد می‌گردد، بسیاری از شیخ‌نشینان خلیج فارس، به سبب ساختار محافظه کارانه قدرت و سیاست در کشورهای خود ضمن محکوم نمودن قیام مردمی، تمامی مساعی خود را صرف عدم ورود امواج اعتراضی در درون مرزهای خود نمودند. پس از خاموشی نسبی جریان‌های اعتراضی، سیاست خارجی سعودی‌ها، به مثابه الگوی حکمرانی اسلامی برای بسیاری از

کشورهای جهان عرب اهل سنت، از وضعیت محافظه‌کارانه و تدافعی به وضعیت تهاجمی استحاله یافت. این مسئله به ویژه در بحران یمن، عراق، سوریه، قطر و جمهوری اسلامی ایران کاملاً عیان است. در واقع، سعودی‌ها از دوران ولایتعهدی محمدبن سلمان عمده سیاست‌های خارجی خود را به تشدید رقابت‌های ایدئولوژیکی، نظامی، اقتصادی و امنیتی با جمهوری اسلامی ایران و متحدین راهبردی‌اش در منطقه اختصاص دادند و عملاً خاورمیانه به کانون تنش‌ها میان شیعیان و بخش اعظمی از اهل سنت مبدل نمودند. در این مقاله، نویسندگان با تأکید بر سیاست‌های تنش‌ساز محمد بن سلمان در قبال جمهوری اسلامی ایران و بهره‌گیری از تئوری چرخه بحران هاگ میال سعی در تجزیه و تحلیل رویکردهای تهاجمی وی علیه جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند. در این راستا، نویسندگان به بررسی و تدقیق پنج مرحله از اقدامات بن سلمان و بحران‌سازی‌های او در قبال ایران پرداختند:

مرحله نخست که همان عقبه تاریخی بحران نام دارد اشاره به چالش‌های متعدد سعودی‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران دارد. این نکته حائز اهمیت است که چالش‌های دولت سعودی با ایران، صرفاً به دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی منتهی نمی‌گردد بلکه در دوران پهلوی نیز رگه‌های برجسته‌ای از وقوع چالش‌های سیاسی میان دو کشور وجود داشته است. در مرحله دوم که از آن به عنوان پتانسیل بحران یاد می‌گردد؛ بن سلمان تمامی مساعی خود را در مسئله هسته‌ای شدن ایران و ناکام ماندن قرارداد برجام بکار بست که به تعبیر نویسندگان در مواردی همچون تحریک ترامپ در خروج از برجام موفق نیز بوده است؛ در مرحله دوم یا تکوین بحران، بن سلمان تلاش نمود تا پس از شکست دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، به نوعی خلا حمای‌های او را با ازسرگیری روابط با رژیم صهیونیستی پر نماید. در واقع عناد و خصومت نهادینه صهیونیست‌ها و بن سلمان از جمهوری اسلامی ایران، محور عربی-عبری را که سال‌ها در جنگ و تهدید یکدیگر به سر می‌برند، متحد نمود؛ در مرحله سوم یا مرحله تصادم یا رویایی، بن سلمان تلاش خود را برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران در قالب دو اقدام آغاز نمود. نخست؛ طراحی اسناد مختلف برای توطئه‌چینی و با هدف ساقط نمودن جمهوری اسلامی ایران با تمسک به قدرت نرم و دوم حمایت از گروهک‌های تروریستی فعال در ایران همچون گروهک الاحوازیه؛ در نهایت پس از عدم کاربست سیاست‌های مطمحنظر بن سلمان در قبال جمهوری اسلامی ایران، درصدد ایجاد نوعی تفاهم منطقه‌ای با جمهوری اسلامی ایران با توسل به نخست‌وزیر عراق، مصطفی‌الکاظمی برآمد. سیاستی که

به نظر می‌رسد در عمل چاره‌ساز نگردد. در واقع مادامی که سیاست‌های توطئه‌آمیز بن سلمان در قبال جمهوری اسلامی ایران پایان نیابد، مسئله وساطت و از سرگیری مجدد روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران به نظر صورت نخواهد پذیرفت.

## منابع

### الف- منابع فارسی

- آدمی، علی و بهادرخانی، محمدرضا (۱۳۹۷)، «الگوی رفتاری عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا و تاثیر آن بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: بحران یمن)»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۷، شماره ۴، صص ۱-۲۳.
- اختیاری امیری، رضا (۱۳۹۴)، «تاثیر تقابل وهابیت سعودی با گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر ژئوپلتیک جدید خاورمیانه»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۲۵-۱۴۹.
- برزگر، ابراهیم؛ خرمشاد، محمدباقر؛ رهبر، عباسعلی و عالیشاهی، عبدالرضا (۱۴۰۰)، «چالش‌های توسعه سیاسی در عربستان سعودی در دوران بن سلمان با تأکید بر مدل برنارد کریک»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، دوره ۱۷، شماره ۴، صص ۶۷-۸۶.
- برزگر، ابراهیم؛ خرمشاد، محمدباقر؛ رهبر، عباسعلی و عالیشاهی، عبدالرضا (۱۴۰۰)، «ریشه‌ها و پیامدهای امنیتی نفوذ رژیم صهیونیستی در خلیج فارس با تأکید بر نقش محوری محمد بن سلمان»، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۱۴، شماره ۵۲، صص ۷۷-۱۰۱.
- برزگر، ابراهیم؛ خرمشاد، محمدباقر؛ رهبر، عباسعلی و عالیشاهی، عبدالرضا (۱۳۹۹)، «کژکارکردهای وهابیسیم و تعمیق شکاف بن سلمان با وهابیون عربستان سعودی»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص ۱۷۷-۲۰۴.

- بهرامی مقدم، سیدسجاد (۱۳۹۷)، «همکاری و تعارض منافع ایالات متحده آمریکا- عربستان در خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۲۷۵-۳۰۰.
- بیات، جلیل و اسلامی، محسن (۱۳۹۷)، «ایران-عربستان؛ طرح الگوی تنش زدایی با محوریت مناقشات منطقه ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۱۶۷-۱۸۵.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ موسوی شهیدی، سید مهدی؛ زارعی، بهادر؛ بدیعی ازندهای، مرجان و واثق، محمود (۱۳۹۹)، «چرخش روابط ایران و عربستان در دو بعد تعامل و تقابل ژئوپلیتیکی و زمینه های شکل گیری آن ها»، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۵۲، شماره ۴، صص ۱-۲۵.
- جاودانی مقدم، مهدی و حریرفروش، حامد (۱۳۹۷)، «واکاوی زمینه ها و ابعاد سیاست خارجی نوین عربستان در خاورمیانه»، فصلنامه سپهر سیاست، دوره ۵، شماره ۱۵، صص ۵۱-۷۴.
- حسینی، سید محمد (۱۳۹۸)، «تعیینات ساختاری در روابط ایران و عربستان؛ از دکترین دوستونی تا پس از بهار عربی»، فصلنامه پژوهشنامه حج و زیارت، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۲۳-۱۴۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶)، «رویگرد اعراب به برنامه هسته ای ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره های ۵۰ و ۵۱، صص ۵۵-۸۶.
- دوست محمدی، احمد و رجبی، محمد (۱۳۹۷)، «عربستان سعودی و تهدید امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۸، شماره ۴، صص ۹۴۵-۹۶۰.
- رستمی، فرزاد و تارا، علیرضا (۱۳۹۷)، «تحلیل روابط عربستان سعودی و اسرائیل در سایه توافق هسته ای ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۷، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۴۲.

- سوری، روح الله (۱۳۹۹)، «مطالعه رفتار عربستان سعودی نسبت به ایران؛ قبل و بعد از توافق هسته ای ایران با کشورهای ۵+۱»، فصلنامه پژوهش ملل، شماره ۵۷، صص ۷۷-۱۰۰.
- سیمبر، رضا؛ پیرمحمدی، سعید و لطفی، کامران (۱۳۹۸)، «نقش لابی سعودی در امریکا در روند امنیتی سازی برنامه هسته ای ایران»، فصلنامه آفاق/امنیت، سال ۱۱، شماره ۴۰، صص ۷۱-۱۰۶.
- شکری، مصطفی و دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۹)، «تحلیل راهبرد مقاومت در دیپلماسی هسته ای جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه فرهنگی روابط بین الملل»، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، دوره ۱۲، شماره ۶۳، صص ۱۳-۴۲.
- شهریاری، محمدعلی (۱۳۹۶)، «تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در عراق در قالب تئوری حرکت ها»، فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره ۲۴، شماره ۹۲، صص ۲۹۷-۳۱۰.
- صداقت، محمد (۱۳۹۵)، «الگوی روابط ایران و عربستان: از رقابت تا خصومت»، فصلنامه پژوهش ملل، دوره ۲، شماره ۱۴، صص ۳۷-۵۰.
- عالیشاهی، عبدالرضا؛ فروزان، یونس و سلیمانی سوچلمائی، حمید (۱۳۹۸)، «تاثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس»، فصلنامه آفاق/امنیت، سال ۱۳، شماره ۴۹، صص ۱۴۷-۱۶۹.
- عالیشاهی، عبدالرضا؛ فروزان، یونس و مسعودنیا، حسین (۱۳۹۸)، «ویژگی های پان شیعیسم جریان صدر در عراق پسدادعش»، فصلنامه پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل، سال ۷، شماره ۱۴، صص ۱۹۳-۲۱۶.
- عالیشاهی، عبدالرضا و فروزان، یونس (۱۳۹۸)، «تشدید تقابل گرایی ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران در پساناآرامی های غرب آسیا؛ پیامدهای ترور سرلشگر قاسم سلیمانی»، فصلنامه

پژوهش‌های جغرافیای انسانی، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۱۵۱-۱۸۰.

- فروزان، یونس؛ عالیشاهی، عبدالرضا (۱۳۹۸)، «برساخت‌گرایی سیاسی در روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران از پس‌اندازی اسلامی تا پس‌برجام»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۱۲، شماره ۴۳، صص ۱۳۹-۱۶۵.

- قاسمیان، علی (۱۳۹۸)، «ترامپ، طرح معامله قرن و چالش‌های فراروی جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۴۵، صص ۱۱۹-۱۴۴.

- کریمی، غلامرضا؛ منوری، سیدعلی؛ میرترابی، سعید و شریفی، پرویز (۱۳۹۷)، «برجام و تأثیر آن بر کنش‌های اقتصادی عربستان سعودی در مقابله با ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۹۷-۱۱۹.

- مسعودنیا، حسین؛ فروزان، یونس و عالیشاهی، عبدالرضا (۱۳۹۶)، «جابه‌جایی قدرت در عربستان سعودی: تأثیرات تغییر ولایتعهدی بر ساختار سیاست خارجی عربستان سعودی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۸، شماره ۴۷، صص ۱۳۷-۱۷۲.

- نطق پور نوری، مهدی؛ بشارتی، محمدرضا و رفیعی، احسان (۱۳۹۶)، «بررسی عوامل موثر همگرایی ایران و عمان و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال ۲۵، شماره ۹۸، صص ۶۳-۸۲.

## ب- منابع انگلیسی

- Abu Toameh, K. (2019), Saudi Arabia offered Abbas \$10 billion to accept Trump's peace plan, Middle East Monitor, accessible at: <https://www.middleeastmonitor.com/20190501>.

- Ben Hubbard (2020), MBS: The Rise to Power of Mohammed bin Salman, NewYork: Tim Duggan Books.
- Blumberg, F., and Yaghi, M. (2021), Saudi Arabia and Iran: From Bitter Confrontation to Bilateral Talks, NewYork: Regional Programme Gulf State Center.
- Blumenthal, M. (2019). The Management of savagery, London: Verso.
- Cerioli, L. (2018), Roles and International Behaviour: Saudi–Iranian Rivalry in Bahrain’s and Yemen’s Arab Spring, Journal of Contexto Internacional, 40(2): 295- 317.
- Coll, S. (2017). The Deal of the Century: Breakup of AT&T, NewYork: Open Road Media.
- Dodge, T. (2018), Iraq and Muhasasa Ta’ifia; the external imposition of sectarian politics, NewYork: The Foriegn Center Publications.
- Gearan, A. (2020), Trump emboldened Israel and Saudi Arabia; now Biden will try to rein them in. A little, Washingtonpost, December 9.
- Herzog, C., and Gazit, S. (2005). The Arab-Israeli Wars: war and peace in the Middle East, NewYork: Vintage.
- Hiro, D. (2019), Cold War in the Islamic World: Saudi Arabia, Iran and the Struggle for Supremacy, Oxford: Oxford University Press.
- Hope, B., and Scheck, J. (2020), Blood and Oil: Mohammed bin Salman's Ruthless Quest for Global Power, Paris: Hachette Books.
- Katzman, K. (2021), Oman: Politics, Security, and U.S. Policy, Washington D.C: Congressional Research Service.

- Mabon, S., Nasirzadeh, S., and Alrefai, E. (2021). De-securitisation and
- Pragmatism in the Persian Gulf: The Future of Saudi-Iranian Relations, *International Spectator*, 56(4), 66-83.
- Mabon, S. (2018). Muting the Trumpets of sabotage: Saudi Arabia, the US and the quest to securitize Iran, *British Journal of Middle Eastern Studies*, 45(5): 742-759.
- Muhamad, S. (2021). Palestine-Israel open Conflict and the Importance of Returning Peace Negotiations, New York: Research Center.
- Miall, H. (2007), *Emergent Conflict and Peaceful Change*, Basingstoke: Palgrave.
- Miall, H. (2004), *Conflict Transformation: A Multi-Dimensional Task*, Berlin: VS Verlag für Sozialwissenschaften.
- Miall, H. (1990), *Contemporary Conflict Resolution*, Cambridge: Polity.
- Podeh, E. (2018), Saudi Arabia and Israel: From Secret to Public Engagement, *Middle East Journal*, 72(4): 563-586.
- Sharp, J. (2021), *Jordan: Background and U.S. Relations*, Washington D.C.: Congressional Research Service.
- Wilson, O. (2019), *Murder in Istanbul: Jamal Khashoggi, Donald Trump and Saudi Arabia*, London: Gibson Square.
- Shahriyari, M. (2017), Analysis of Relations between Islamic Republic of Iran (IRI) and Saudi Arabia in Iraq Based on the Moves Theory. *Majlis and Rahbord*, 24(92), 279-310. (In Persian)



- Sharp, J. (2021), *Jordan: Background and U.S. Relations*. Washington D.C.: Congressional Research Service
- Shokri, M., Dehghani Firooz Abadi, S. (2020), Analysis of Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran by "A Cultural Theory of International Relations": the Case of Study: Nuclear Diplomacy. *Political and International Approaches*, 12(1), 13-42. (In Persian)
- Simbar, R., Pirmohammadi, S., Lotfi, K. (2018), The Role of the Saudi Lobbying in America in the Process of Changing Iran's Nuclear Program into a Security Issue. *Scientific Journal of Security Horizons*, 11(40), 71-106. (In Persian)
- Souri, R. (2020), Study of Saudi Arabia's behavior towards Iran; before and after Iran's nuclear agreement with the P5 + 1 countries. *Quarterly Journal of Nations Research*, (57), 77-100. (In Persian)
- Wilson, O. (2019), *Murder in Istanbul: Jamal Khashoggi, Donald Trump and Saudi Arabia*. London: Gibson Square.